



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

اعلامیه

لیدن، 21 اکتوبر 2008

بیست سال حبس بخاطر یک اتهام واهی و ثابت نشده؟ کامبخش بیگناه است!

با تعجب اطلاع یافتیم که امروز محکمه استیناف ولایت کابل پرویز کامبخش را به اساس اتهام واهی و ثابت نشده که ساخته و پرداخته ریاست امنیت ملی ولایت بلخ است به بیست سال حبس تنفیذی محکوم نمود. بیایید ببینیم ستره محکمه در رابطه با سایر متهمین چه کرده است؟

ستره محکمه افغانستان از فیصله دوسیه جرمی جنایت سالار بدنام اسدالله سروری ظفره رفته و دوسیه ویرا به این دلیل که وی زمانی افسر بوده است به محکمه نظامی راجع ساخت. در حالیکه فیصله ابتدایی در محکمه ملکی صورت گرفته بود و اگسا تحت اثر صدارت در چوکات ملکی کار میکرد. هرگاه این حرکت به تخفیف مجازات یا رهایی سروری بیانجامد قضات ذیربط ستره محکمه مسوولیت تاریخی بزرگی را بدوش خواهند کشید.

در آغاز سال 2007 لوی څارنوال افغانستان توسط یک جنگسالار بنام جرأت در محضر عام لت وکوب گردید. قوماندان جرأت حتا برای یکساعت هم توقیف نشد. ارگانهای حراست از قانون و عدالت بشمول ستره محکمه در برابر این قانون شکنی بزرگ و توهین به اتوریته جمهوری اسلامی عاجزانه سکوت اختیار نمودند. متعاقباً اکبربای رییس یک حزب سیاسی همراه با اعضای فامیل خویش توسط قوماندان ملیشیه جنرال دوستم، که کارنامه اعمال خلافش در دوران بیرک کارمل و نجیب الله به همگان روشن است، لت وکوب و توهین گردید. پولیس کابل دوسیه این قانون شکنی را تکمیل کرد. اما ارگانهای حراست از تطبیق قانون چشمهای شان را در برابر این توهین بزرگ به قانونیت و دموکراسی توسط یک جنگسالار معلوم الحال بستند. چند ماه قبل ده ها نفر بیواسطه به اتهام جرایم جنایی اعدام شدند. یکی از محکومین که پشتیبانی جنگسالاران قدرتمند را جلب نموده بود بشکل افسانوی از میان اعدامیان فرار داده شد. مامورین مؤظف به تطبیق قانون که مسوولیت فرار دادن این اعدامی را داشتند بدون مجازات به کار خویش ادامه دادند. این توهین بزرگ به قانونیت و اتوریته ستره محکمه نیز با سکوت استقبال گردید.

در مقابل در ماه می سال جاری یک پدر به جرم دزدی یک جوال آرد برای فرزندانش گرسنه اش بطور علنی محاکمه شد و به حبس طویل محکوم گردید. و اکنون محصل جوانی بنام پرویز کامبخش به اتهام چاپ یک ورق انتقادی از انترنت به حبس ابد محکوم میگردد. قسمت های معینی از جریان جلسه قضایی که از طریق رسانه ها پخش گردید بوضاحت حاکی

از نکات ذیل بود:

- کامبخش با پا های به زنجیر بسته در جلسه قضایی نشسته بود. بایست قضات از این عمل پولیس که حتک حرمت به متهم و قضا محسوب میگردد، جلوگیری مینمودند.
- کامبخش حین انتقال به کابل ابراز داشته بود که اظهارات قبلی اش تحت شکنجه امنیت ملی گرفته شده است. چون خارنوال نتوانسته است اظهارات متنازع فیه را با سایر وسایل ثبوت به اثبات برساند، اظهارات موصوف فاقد ارزش اثباتیه میباشد.
- شاهد اصلی که قبلاً ادعا نموده بود کامبخش کاغذ پرنت شده را بوی داده، شهادت خود را واپس گرفته و ابراز داشت که امنیت ملی ویرا با تهدید وادار به امضای اظهارات اتهام آمیز در مورد کامبخش نموده بود.
- پنج شاهد متباقی استادان فاکولته بودند که شهادت دادند که کامبخش در جریان درس سوالات انتقادی میکرد که قسماً در مورد اسلام بوده و فضای صنف درسی را خراب میساخت. نخست از همه باید گفت که کامبخش بحیث یک محصل حق سوال کردن را داشت. این وظیفه استادان بود که با دادن جواب های قانع کننده این جوان را به راه درست رهنمایی میکردند. اینکه فضای صنف خراب میگردد از فقدان فضای اکادمیک در صنف حکایت میکند که مسولیت آنرا استادان وادره فاکولته دارد نه شاگردیکه سوال میکند. پوهنتون بلخ باید به حل این مشکل خویش توجه کند.
- محکمه با تخطی از اصول محاکمات جزایی به وکیل مدافع اجازه نداد که شهوددیگری را که بنفع متهم اظهاراتی داشتند، به عقب میزشهادت دعوت کند؟ آیا در چنین شرایط میتوان از بیطرفی قضا صحبت نمود؟
- نمیدانیم درین قضیه که نه اعتراف قابل اتکا وجود دارد، نه شهودی که بر ارتکاب عمل جرمی ادعا شده شهادت بدهند و نه مدارک دیگر آقای عبدالسلام قاضی زاده حکم خویش را برچه استوار ساخته است؟ نمیدانیم آقای بهالدین بها سخنگوی ستره محکمه که معمولاً فعالین حقوق بشر را به اعتراضات احساسی متهم میکند، در رابطه به این "شاهکار" قضایی چه فرمایشی دارند؟

"کمیته حقوق بشر فارو"